



به نام خدا



هدیه های آسمان

درس چهارم

مهربان تر از مادر



علوی

مدارس هزاره سوم



مهربان‌تر از مادر

...از میان درختان سرسبز می‌گذشتم. جیک جیک چند جوجه به گوشم رسید.

صدا را دنبال کردم تا به لانه‌ی گنجشک‌ها رسیدم. چه جوجه‌های زیبایی! جوجه‌ها را برداشتم و به راه افتادم.

صدای جوجه‌ها هر لحظه بیشتر و بیشتر می‌شد. شاید کسی را صدا می‌زدند یا گرسنه بودند.

به آسمان نگاه کردم. دیدم گنجشکی بالای سرم می‌چرخد.

گنجشک با شتاب به من نزدیک شد و ناگهان خود را روی جوجه‌ها انداخت. ماجرای عجیبی بود! آن‌ها را گرفتم و با خود آوردم.

پیامبر خدا و یارانش به سخنان مرد مسافر گوش دادند.
پیامبر گفت: جوجه‌ها را روی زمین بگذار.
همه با تعجب نگاه می‌کردند. مادر جوجه‌ها از آن‌ها جدا نمی‌شد!
یکی از یاران پیامبر گفت: چه مادر مهربانی!
دیگری گفت: حتی یک لحظه هم از جوجه‌هایش جدا نمی‌شود!
پیامبر گفت: آیا از محبت این مادر تعجب می‌کنید؟
«بدانید، خداوند از این مادر مهربان‌تر است. او بنده‌هایش را خیلی دوست دارد.»
سپس به مرد گفت: گنجشک‌ها را به لانه بازگردان.
مرد به راه افتاد و در راه به سخن پیامبر و مهربانی خدا فکر می‌کرد.

هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

او مهربان‌ترین مهربانان است.

(سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۶۴)



دوست دارم

من هم با پرندگان مهربان باشم. پس ...

همیشه مراقب هستم تا آسیبی به آن ها نرسانم.

اگر پرنده ای احتیاج به کمک داشت به او کمک کنم.

ببین و بگو



با دقت به این دو تصویر نگاه کن. از آن‌ها چه می‌فهمی؟



خداوند وقتی به حیوانات فرزندی می‌دهد مانند
انسان‌ها، در آن‌ها مهر مادری را قرار می‌دهد
تا مراقب فرزندان‌شان باشند.



به نام خدای بزرگ
که پروانه را آفرید
به روی دو تا بال او
خط و خال زیبا کشید

خدایی که با یاد او
لب غنچه‌ها باز شد
نوک زرد بلبل از او
پراز شعر و آواز شد

خدایی که پرواز را
به گنجشک آموخته
لباسی هم از جنس پر
برای تنش دوخته

ناصر کشاورز



دوست دارم یک نام زیبا برای این شعر با کمک دوستانم انتخاب کنم.



خداوند مهربان

